

متن پرسش

سلام بر جناب آقای استاد طاهرزاده: با توجه به این که جنابعالی مدتی در کسوت معلمی بوده‌اید و هنوز هم با همان روحیه، ادامه می‌دهید ما به عنوان جمعی از معلمان درخواست داشتیم که بفرمایید چگونه باید عمل کنیم که شوق معلمی و رسالت آن در ما به عنوان یک انگیزه برای کار، همچنان باقی بماند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حقیقتاً نمی‌دانم از معلمی چه می‌توان گفت وقتی همه‌ی بشریت در قامت بلند خود، وام‌دار معلمان حقیقی تاریخ خود می‌باشند. معلمی بیش از آن که تعلیم علم باشد، معنای عطوفت و محبت است که باید آن را پاس داشت تا محبت و عدالت به خانه‌ها و به شهر برگردد و گرنه همه در ظلمات تسلط بر همدیگر، همدیگر را از پای در می‌آورند.

اگر معلمی یعنی عطوفت و محبت و آزادی و عدالت، بمیرد همه‌چیز می‌میرد. و اگر معلمی گرفتار نیازهای روزمره‌گی گردد، معلمی خواهد مرد. معلمی؛ نیازهای عنان‌گسیخته نیست. معلمی قناعت است و سادگی، ولی وای اگر به چنین نیازی پشت پا زده شود.

با آن تپانچه‌ای که آن معلم بزرگ یعنی شهید مطهری، شهید شد، او شهید نشد، همه‌ی ما یعنی همه‌ی آن‌هایی که در عشق به انسانیت، شعله‌ور بودند شهید شدند. و این است که ما سال‌ها است در خون خود می‌غلطیم.

وقتی تعصب جای آزادی نشست و فطرت‌ها و عقل‌ها کور شد، حتماً به اسم دین، دین گشته می‌شود! و این جاست که باید بیش از آن که به ظاهر دین بپردازیم، باید دین را وسیله‌ی شکوفایی عقل و فطرت نماییم. در این حالت است که باید به شکوفایی وطن دلگرم بود. خوشا به حال مردی که شکوفایی وطنش، همه‌ی شادی و دلگرمی اوست که معلمی جز این نیست، حال! هرکس در هرجایی و به هر شکلی که در شکوفایی عقل‌ها و فطرت‌ها بکوشد؛ او معلم است و او قدر و ارزش شریعت را که بهترین بستر برای چنین امری است، به‌خوبی می‌داند. موفق باشید